

واکنش

پاسخ پردیس کوروش به اعتراض‌ها

تماشاگران «هنر و تجربه» ۱۰، ۱۵ نفرند!

در حالی که طی روزهای اخیر سازندگان برخی فیلم‌های اکران شده در گروه هنر و تجربه بخصوص کارگردان فیلم «کوپال» از لغو سانس‌های نمایش فیلم خود در پردیس کوروش انتقاد کرده بودند و حتی زمزمه تحریم این پردیس سینمایی به گوش می‌رسد، روابط عمومی کوروش در بیانیه‌ای به این اعتراض‌ها پاسخ داده است.

در این بیانیه تاکید شده که قرارداد گروه هنر و تجربه با پردیس کوروش به پایان رسیده و حتی تسویه حسابی هم انجام نشده است. «گروه محترم و شریف هنر و تجربه شش ماه است که قراردادی با این مجموعه ندارد و پردیس سینمایی کوروش با نگاه حمایت و پشتیبانی تمامی فیلم‌های مربوط به هنر و تجربه را اکران می‌کند. پس در نتیجه نگرانی نگاه سرمایه سالاری از طرف سینمای متفکر هنر و تجربه نسبت به پردیس کوروش نباید وجود داشته باشد. چه بسا که مجموع پرداخت شش ماه از آخرین قرارداد بسته شده نیز با این پردیس تسویه نشده است.»

روابط عمومی پردیس کوروش در ادامه به مخاطبان اندک فیلم‌های این گروه کنایه زده است: «کمترین ظرفیت سینما کوروش ۱۹۰ صندلی است و تجربه این چندسال نشان داده که بیشترین تعداد مخاطب هنر و تجربه در اکثر سانس‌ها ۱۰ یا پانزده نفر بوده که به همین دلیل سالن مجهز وی آی پی کوروش که دهنفره است در اختیار این دسته از مخاطبان قرار می‌گیرد.»

در توضیح بیشتر درباره تعداد مخاطبان این فیلم‌ها آمده است: «می‌شود فیلم کوپال را به عنوان یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های هنر و تجربه دانست که در



ضیافت شام فرمانده نیروی زمینی ارتش (امیر کیومرث حیدری) با وابستگان نظامی عصر امروز در تالار ۲۲ بهمن نژاچا برگزار شد. عکس: علی شیربند/میزان

«هفته منتقدان» کن با یک فیلم امریکایی افتتاح می‌شود



«هفته منتقدان» جشنواره فیلم کن که به عنوان رویدادی موازی با این جشنواره برگزار می‌شود و به نمایش فیلم‌های اول و دوم کارگردان‌ها اختصاص دارد، با فیلم «حیات وحش» افتتاح می‌شود. این درام امریکایی با بازی جیک جیلنهال و کری مولیگان مقابل دوربین رفته است. داستان اولین ساخته داتو که بر اساس رمان ریچارد فورد نوشته شده، در دهه ۱۹۶۰ در شهری کوچک واقع در ایالت مونتانا امریکارخ می‌دهد و از زاویه دید پسری ۱۴ ساله روایت می‌شود.

به نوشته ورایتی، شارل تسون دبیر هنری «هفته منتقدان» از «حیات وحش» به عنوان «فیلمی کارگردان محور و به سبک فیلم‌های جف نیکولز» یاد کرده است. داتو ۳۳ ساله تا پیش از این به عنوان بازیگر سینما و تئاتر امریکا مطرح بوده است. او در بعضی از مطرح‌ترین فیلم‌های چند سال اخیر مانند «۱۲ سال بردگی»، «محبوسان» و «عشق و بخشش» ایفای نقش کرده که آخری نامزدی گلدن گلوب در رشته بهترین بازیگر نقش مکمل را برایش به ارمغان آورد.

علاوه بر این، «حیات وحش» تنها فیلم امریکایی است که در بخش «هفته منتقدان» جشنواره کن امسال به نمایش در می‌آید. تسون و اعضای کمیته انتخابش از میان ۱۱۰۰ فیلم داوطلب برای رقابت در این بخش موازی، ۱۱ فیلم بلند را به عنوان آثار نهایی انتخاب کردند. پنجاه و هفتمین دوره «هفته منتقدان» از ۹ تا ۱۷ ماه مه برگزار می‌شود.

با یاد دوست!

را خمیر کردن»
 حال آنکه اگر روح صنعت در جامعه‌ای حلول کند، خلایق است که نان می‌زاید. عزت نفس است که بهداشت روان می‌آفریند و غنای حاصل از «زور بازو» مرد را، از نقاب بر چهره رهایی می‌بخشد. (رجوع شود به دره سیلیکون ولی، و از آن بلندپروازان نظری جسته شود).

 باری، سخن به درازا کشیده می‌شود، لیکن چگونه می‌توان سخن از «سعدی» گفت و از اندرزهای این «بزرگترین پند دهنده همه تاریخ ادبیات» جرعه‌ای ننوشید. ناچار، گلستان را می‌گشاییم، باب «در تأثیر تربیت» را نگاهی بیافکنیم.

سوم
 حاکم خاورمیانه‌ای که دستت به خون‌های بی‌شمار آغشته است! از سعدی بر تو بیامی دارم: که، قضا را، اصل ماجرا در همان حوالی شامات و عراق روی داده است، فرمود: «درویشی مستجاب الدعوه در بغداد دیدم آمد. حجاج یوسف را خبر کردند بخواندش و گفت: دعای خیری بر من کن. گفت خدا یا جانم بستان! گفت از بهر خدای این چه دعاست؟ گفت: این دعای خیرست ترا! و جمله مسلمانان را!
 ای زبردست زبرد دست آزار گرم تا کی بماند این بازار مردنت به که مردم آزاری!!
 دریافتی پیام سعدی را؟! فرمودند: «میری بهتر از این مشی مردم آزارانه تست.» از سعدی «پند گیر و کار بند و هوش دار»

هنرآموزی، به مثابه کاریابی
 دانش آموز که بودیم، درسی اجباری داشتیم نامش «طرح کاد». یعنی آموختن حرفه‌ای، به موازات تحصیل در مدرسه! هر که را می‌دیدم از آن گریزان بودم، که حلاوتش همراه نبود. بعدها آن درس حذف، بر جایب سازمانی گسترده آمد نامش (سازمان فنی و حرفه‌ای کشور). تا بلکه جوانان آنجا حرفه‌ای بیاموزند و در کار گیرند، تا فردای و انفسای کاریابی، پارشان باشد. سعدی فرمود: «حکیمی پسران را پند همی داد که: جانان پدرا هنر آموزید؛ که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید؛ و سیم و زر در سفر بر محل خطرست؛ یا دزد به یک بار بیر، یا خواجه به تفاریق بخورد. اما هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده و گر هنرمند از دولت بیفتند، غم نباشد که هنر در نفس خود دولست. هنرمند هر کجا که رود قدر ببندد و در صدر نشیند و بی‌هنر لقمه چیند و سختی ببندد؛
 وقتی افتاد فتنه‌ای در شام هر کس از گوشه‌های فرا رفتند روستا زادگان دانشمند به‌وزیری پادشاه رفتند؛
 پسران وزیر ناقص عقل به گدایی به روستا رفتند.
 از این چشمه هر چه آب بنوشی، تشنه‌تر می‌شوی، نه که آب شور باشد و استسقاء بزاید، که آبش سخت گواراست.
 لیک وقت و مجال تفسیر نبود، چاره جز آوردن چند شاهد از گلستان باقی نمی‌ماند، باشد که بنیوشیم و در کار گیریم؛
 یکم:
 در آداب صحبت فرمود:
 «خامشی به که ضمیر دل خویش با کسی گفتن و گفتن که مگوی سخنی در نهان نباید گفت که بر انجمن نشاید گفت»
 دوم:
 «دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگری آن که آموخت و نکرد.
 علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی نه محقق بود نه دانشمند
 چارپایی برو کتابی چند آن تهی مغز را چه علم و خیر؟!
 که بر او هیزم است یا دفتر.»
 سوم:
 «دو کس دشمن ملک و دینند: پادشاه بی‌حلم و دانشمند بی‌علم.
 بر سر ملک مباد آن ملک فرمانده که خدا را نبود بنده فرمانبردار!»
 امید آنکه توانسته باشم، اندکی از حق استادی، مانده بر گردن این شاگرد کوچک را، بلکه جبران کرده باشم! که خود چه نیکو گفت که: اگر در سرای سعادت کس است ز گفتار سعدیش، حرفی بس است.
 و چه خوش پیشگویی که «ز خاک سعدی شیراز، بوی عشق آید هزار سال پس از مرگ او، گرش بویی»



چهارم
 نسخه سعدی، صنعت است برای عزت!
 می‌گویند دولت در ایران بیش از حد فریه است. و ایران چند برابر هند کارمند دارد. بر ناکارآمدی بسیاری از کارکنان اگر دیده باشی- که خود بارخاطری بر دوش دولت‌اند، نه یار شاطر- به‌خاطر میل ادارات و رییسان به «سرسپردگی» زبردستان، عملاً کارمند به فردی «بله قربان‌گویی» بدل می‌شود.
 و این در تضاد است با همه چیز، با کرامت انسانی، با خلایقیت، با روح آزاد و با آزادی؛ که سعدی فرمود: «دو برادر؛ یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به زور بازو نان خوردی. باری این توانگر گفت درویش را که: چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کن برهی؟! گفت: تو چرا کار نکنی تا از مذلت خدمت رهایی یابی؟! که! خردمندان گفته‌اند: نان خود خوردن و نشستن به؛ که کمر شمشیر زرتین به خدمت بستن.»
 به دست آهن فتنه کردن خمیر به از دست بر سینه پیش امیر عمر گرنامه‌ی در این صرف شد تاجه خورم صیف و چه پوشم شتا ای شکم خیره به تابی بساز تا نکنی پشت به خدمت دو تا.
 آنچه اسباب برتری «برادری» بر برادر دیگر در نظر سعدی می‌شود، همانا «فته کردن آهن گذاخته است، به زور بازوی». حال پرسش: نماد صنعت چیست؟ چکش!
 پس اگر سعدی امروز بود، غالب جوانان جوای کار را، به جای توصیه به «کارمندی» به «صنعت‌گری» رهنمون می‌شد. که کم بر «ادارات»، ما، سوق دهنده است به سمت «تعظیم برابرشیک الباری» و «حمد و تئاسی غیر خدای» و «ریسای در نمازخانه» و «رشوت»... هر آنچه در نزد سعدی «ردیلت است» و دور از فضیلت. (شسایان ذکر است در بعضی نسخ، به جای «آهن» از «آهک» نام برده که محتمل است. و چه دشوارتر است «آهک



محمد زین روزنامه‌نگار

از آشنایی من با سعدی ربع قرن می‌گذرد. نمی‌شود در رشته علوم انسانی نشست و دل به سعدی نداد. که سعدی، بی‌تردید یکی از پنج ستون بنای ادب پارسی است.
 داشتم با خود می‌اندیشیدم به روزگار سعدی. قیاس کردم با امروز، خوب که نگریستم، دریافتم (زمانه خیلی دستخوش دگرگونی شده... چندانکه «مثلا تمدن» امروزی، از ابزار و ابنیه و البسه سعدی، چه دور شده است. نه کسی بر الاغ سوار می‌شود، نه قیای اطلس و برد یمانی می‌پوشد، نه شب را در کاروانسرا می‌گذرانند. که امروز به از اینها را در اختیار دارد.
 اما در باب فرهنگ، انگار سعدی دیروز سخن گفته که امروز هم به‌کار آید. ادبیات کلاسیک جهان، شکسپیر را به‌خود دیده است، که هر چند دهه، بایست ترجمان جدیدی از «مکتب» و «شاه لیر» ارائه دهند تا مفهوم خواننده باشد. لکن در ادب پارسی، سخن سعدی که سهل است، شاهنامه فردوسی را هم که هزاره‌ای از سرایش آن می‌گذرد، می‌توان خواند، از بر کرد و لذت برد.
 اینکه این «ثبات زبان» از محاسن ادب پارسی است، یا از معایب آن، بین ادیبان برجسته محل نزاع است. اما محور بحث ما نیست. که بحث اینجا این است که: (ما را چه افتاده‌ست، که آنچه سعدی در سیرت پادشاهان - برای مثال فرموده، انگار امروز هم قابل درک است؟»
 یکم
 به بازوان توانا و قدرت سر و دست خطاست پنجه مسکین ناتوان بشکست نترسد آن که بر افتادگان نیخشاید که گز ز پای در آید کسش نگیرد دست هر آن که تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت دماغ بیهوده پخت و خیال باطل بست ز گوش پنبه برون آر و داد خلق بده

وگر تو می‌ندهی داد، روز دادی هست هر چه گشتم، مصداقی تازه و امروزی‌تر از حکایت «محمود زمان» نیافتم. که دیروزش را به خودرایی دل خونین دلان خونین‌تر می‌کرد، تا که همین دیروز!! یا بهتر بگویم، دیشب، بازی روزگار داد از وی ستانید. آری، محمود هشت سال در ملک سعدی (تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت). پس به حکم استاد فضل و ادب سعدی، امروز بایست دیروزه ارج و قرب کند و غافل از آنکه سعدی بماند ناید داده که (دماغ بیهوده پخت و خیال باطل بست). و امروز آن چنان دور و برش از یاران خالی‌ست، که ترجم از دل دشمن هم بر می‌انگیزد. (که گز ز پای در آید، کسش نگیرد دست)
 دوم
 فغان از دست دست‌هایی که ز دستشان، دست‌ها برداوند است.
 چه قاضی جور باشی، چه خطیب بد گوی، چه وزیری تندخوی، هر جا و هر کس که باشی، اگر خلق‌الله از دستت به تنگ آیند، هشدار که «سخن سعدی» خطاب به تو باشد، آنجا که فرمود: «یکی از ملوک بی‌انصاف، پارسایی را پرسید: از عبادت‌ها کدام فاضل‌تر است گفت: تو را خواب نیم روز تا در آن یک نفس خلق را نیازاری»
 ظالمی را خفته دیدم، نیم روز گفتم این فتنه است، خوابش برده، به!
 آنکه خوابش بهتر از بیداری است این چنین بد زندگانی، مرده به!
 دقت فرمودید!
 آنجا که زبان تو، قلم تو، تصمیم تو، گزوه و داروغه تو، خون به‌دل‌ها می‌ریزد، که اگر بخوابی، و در ساعات خواب «خلق از وجودت در آنسایش» باشند، از خواب افضل عبادت است، به فتوای سعدی!!

رونمایی از مجموعه شعرهای انتشارات روزنه

انتشارات روزنه به تازگی چهار مجموعه شعر روانه بازار کرده است. غزل برای غزل سروده احمد ابومحبوب، زیباییات به وقت محلی سروده مرتضی بخشایش، معجزه در ساعت ۵ عصر سروده سجاد روشنی و رگیاد سروده سپیده نیکرو چهار مجموعه‌ای هستند که روز جمعه ۳۱ فروردین ۹۷ در مکتب تهران رونمایی می‌شوند. به گفته فاضل ترکمن دبیر نشر، انتشارات روزنه

